

# □ یک جرعه از قرآن (۱)

«قرآن»

«قرآن» از جمله واژه‌هایی است که در آیات مختلف، نقش و معانی متفاوتی را داراست.

□ «قرآن»: در اصطلاح اذهان که معمولاً با شنیدن این کلمه در ذهن همه متبادر می‌شود، معجزه پیامبر اکرم (ص) می‌باشد، همان کتاب هدایتگر آسمانی برای مسلمانان جهان، که به این معنی، در آیات مختلفی آمده است:

□ «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ - أَقْوَمٌ...»  
(اسراء، ۹)

«همانا این قرآن هدایت می‌کند به آنچه که آن قوام و پایداری دارد...».

□ «و إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ ...» (اعراف، ۲۰۴)  
«زمانیکه قرآن خوانده می‌شود پس گوش بسپارید برایش...»

□ «قرآن» در معنای دیگرش مفهوم «خواندن» را در خود دارد:  
«انَّ عَلَيْنَا جَمْعُهُ وَ قُرْآنُهُ فَإِذَا قُرْآنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ» (قیامة، ۱۷ و ۱۸)

«تنظیم و خواندنش بر عهده ماست پس هرگاه آنرا خواندیم، خواندنش را دنبال کن.».

مراد از خواندن (قرآن)، روخوانی کردن از نوشته یا لوحی نیست، بلکه ذکر و بیان جریانات و برنامه‌ها و سخنان خداوند متعال بصورت شفاهی بر پیامبر اکرم (ص) می‌باشد که جهت جلوگیری از کم و زیاد شدن کلام وحی، ضرورت به نوشتن و کتابت شده و در نظر مردم چنین تداعی شده که قرآن مکتوب نازل شده است.

اگر این معنا از «قرآن» از ریشه «قرأ» دانسته شود، منظور از قرآن، آن نوعی خواندنی است که:

□ امر به توجه، دیدن و بیان امری با ذکر تمام جزئیات، مثلا:  
«اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَدْفِ سِكَ الْيَوْمَ عَلَايَكَ  
حَسِيْبًا» (اسراء، ۱۴)  
«بخوان نامهات را، امروز تو خود برای حساب کشیدن از خود  
بسندهای».  
توضیحات فقط جرعه‌ای بود از دریا، قطعا با «تدبر، تفکر، تعقل» در  
آیه به آیه این مجموعه آسمانی، راهکارهای علمی و عملی برای انسان  
جهت سعادت‌مندی در دنیا و عقبی در پی خواهد داشت.

MoshtaganZohoor@

## امام داوری [مطالب ارائه شده در شبهای قدر]

بعد از مطالبی که در راستای امام باوری و امام یاوری مطرح گردید  
موضوع آخر در این راستا امام داوری می باشد. و این موضوعی است که  
کمتر به آن توجه گردیده است چراکه امام باوری و امام یاوری فعل  
من است اما امام داوری چون فعل امام معصوم است اتفاق نمی افتد و  
از طرف شخص اجازه ورود به عرصه داده نمی شود. اگر امام معصوم در  
حاشیه قرار بگیرد، در این صورت هر وقت خواسته شود بصورت گزینشی  
برای داوری فرا خوانده خواهد شد، و این مدل مطلوب نیست. لذا ممکن  
است امام باوری و امام یاوری باشد اما امام داوری نباشد. اگر  
گفته شد که بهترین مدل امام باوری الگو قرار دادن امام است این  
مدل اصلا بدون امام داوری ممکن نیست، یعنی محال است انسان امام را  
به عنوان الگو واسوه انتخاب کند اما امام داوری نباشد. اولین  
موضوعی که در این مبحث بایست به آن توجه داشت موضوع  
"اطاعت" است، که اگر اطاعت باشد امام داوری هم بوجود خواهد آمد؛

اطاعت با معیت و تبعیت و تسلیم تفاوت دارد. یعنی اگر به امر و نهی کسی عمل کنی این اطاعت است. با این سیر باید معتقد شد که امام حامل و صاحب امر و نهی است و باید اطاعت کرد و اگر اطاعت نشود قرآن تبعات آنرا بیان فرموده است:

«...مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...»  
«...مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...»

«...مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...»  
«...مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» (ص/ص)

در این آیه خداوند اختیار را در گزینش موارد اطاعت از خدا و پیامبر نفی کرده است و یا در آیه دیگری در رابطه با علت دستور به اطاعت از پیامبر(ص) چنین میفرماید:

«...مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...» (ص/ص)

لذا اگر به گرفتار شدن در گمراهی آشکار در قبال عدم اطاعت از خدا و پیامبرش و نیز عدم اختیار انسان در گزینش فرامین الهی معتقد شویم و دلیل این را در این آیه بیابیم که پیامبر را نسبت به انسان اولی معرفی میکند، این اعتقاد نسبت به سلسله امامان که در غدیر توسط پیامبر معرفی شدند صدق خواهد کرد؛ و جالب اینکه فلسفه غدیر هم غیر از این نمی باشد؛ غدیر معرفی امام بعنوان داور برای بشریت است. پیامبر(ص) بعد از خود صاحب امر و نهی برانسان را امامان(ع) معرفی فرمود و در این قضیه سه بار هم از حاضران بیعت گرفت و امر فرمود که این موضوع را حاضران به غایبان نیز برسانند و تاکید فرمود که این موضوع تا انقراض عالم باید ادامه داشته باشد تا همگان بدانند امام علی(ع) و فرزندانش صاحب امر و نهی است و باید به آنها رجوع نمود و کسب تکلیف کرد. به روایتی در این مورد توجه کنید: محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) فاطمه (س) را در کنار قبر حضرت حمزه در احد، در حال عزاداری و گریه مشاهده کردم، فرصت را غنیمت شمرده سؤال کردم: آیا برای امامت علی (ع) از سخنان رسول گرامی اسلام، می توانید دلیلی بیاورید؟ حضرت زهراء پاسخ داد: شگفتا! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟ شنیدیم که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: علی (ع)

بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می‌دهم. علی (ع) امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم حسن و حسین (علیهما السلام) و نه نفر از فرزندان حسین (ع) پیشوایان و امامانی پاک و نیکند. اگر از آنها اطاعت کنید شما را "هدایت" خواهند نمود و اگر مخالفت ورزید، تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد. پرسیدم: بانوی من! پس چرا امام علی (ع) سکوت کرد و حق خود را نگرفت؟ حضرت فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: مثل امام، مانند "کعبه" است، مردم باید در اطراف آن طواف کنند، نه آن که کعبه دور مردم طواف نماید. اکنون باید دید آیا این باور در ما وجود دارد که طبق فرمایش پیامبر (ص) امام زمان (عج) ولاء تصرف بر ما داشته و باید نسبت به خودمان برایمان در اولویت باشد؟ آیا بسراغ امام رفته می‌شود؟ عبارت دیگر کی امام داوری اتفاق خواهد افتاد؟ و کی می‌توان امام را صاحب امر دانست؟ پاسخ تمام سواها این است که زمانی این اعتقاد در زندگی عملی خواهد شد که تصرف ولایت امام را بر خود دیده و ایشان را اولی به نفس قرار دهیم و در کارهای اولویت دار خود قبل از تصمیم و قبل از شروع، امام را به داوری بکشانیم تا او تعیین فرماید آنکار به چه صورت باید انجام یابد. اما در اینکه گفته می‌شود امام اولی به نفس است<sup>۳</sup> دلیل وجود دارد: □ رأفت امام؛ اگر انسان خود را دوست دارد به دلیل حب<sup>۳</sup> نفس و غریزه است، اما امام انسان را از روی رحمت دوست دارد حب نفس ریشه در غریزه دارد و حب امام ریشه در رحمت پروردگار، کدام برتر و اولی است؟ □ علم امام؛ آگاهی انسان نسبت به خود محدودیت دارد، اما آگاهی امام نسبت به انسان محدود نیست، چنانچه در روایت است که امام تمام انسانها را با نام خود و با نام ابا و اجدادشان میدانند و شناخت دارد و نیز از گذشته و حال و آینده انسان باخبر است و احساس نگرانی دارد. □ حریت امام؛ حریت و آزادی انسان بسیار محدود است چراکه اسارت‌های مختلف او را فراگرفته، اما امام نسبت به انسان حریتش بیشتر و وسیع است. به عبارت دیگر حریت انسان نسبت به خود محدودتر است از حریت امام نسبت به انسان. و در اینکه چرا فقط پیامبر و امام، اولی به نفس می‌باشد نه کس دیگر حتی شخصیت‌های بزرگ مذهبی چون حضرت حمزه یا حضرت ابوالفضل (ع)، ۴ دلیل اساسی وجود دارد: □ امام جاهل نیست؛ تشخیص موضوعات امام در مورد انسان قطعاً صحیح است اما انسان خود و هرکس غیر از امام بعنوان دوست و معلم و ... شاید مصلحت انسانرا ندانند. برای مثال شخصی از پیامبر خواست او را از منجلاب گناه نجات دهد پیامبر (ص) فرمود: برو و فقط دروغ نگو. در ابتدا این شخص خیلی آسان گرفته بود اما دید که پیامبر با علمش به ام الخبائث

(دروغ) انگشت گزارده بود؛ یعنی اگر دروغ نمیگوید از بقیه موارد گناه هم خلاص خواهد شد. اما اگر سراغ فرد دیگری می رفت شاید نسخه نا مناسبی برایش می پیچید...

...  
...  
...  
...  
...

با قبول این موارد است که امام بعنوان اولی به نفس شناخته شده و بصورت داور در زندگی اشخاص حضور خواهد داشت و انتخاب مدل کارها به او سپرده شده و از او خواسته خواهد شد. حال پاسخ به این سوال مهم است که امام کی امر و نهی خواهد کرد؟ و امام چگونه در مسائل مختلف برای انسان داور و راهنما شده و او را در مسیر هدایت قرا می دهد؟ در جواب باید گفت: امام معصوم با توجه به مسائلی که برای هر شخص در اولویت دار قرار دارد، امر و نهی کرده و داوری خود را عرضه میفرماید؛ بعبارت روشنتر امام، دقیقا در آنچه دغدغه فکری انسان است و همان مواردی که بیشترین قسمت فکرانسان را میگیرد امر و نهی خواهد کرد، فقط بشرط اینکه بعنوان داور مورد قبول فرد قرار گیرد و فرد از امام این تقاضا و خواسته را داشته باشد. برای مثال: شخصی جوان به مقتضای سنش میخواهد به لباسش پرداخت کند در اینجاست که باید امام معصوم را داور کرده و مدل لباسش را طبق سلیقه امام انتخاب کند نه سلیقه و خواسته خود و یا از روی مد و تقلید؛ و نکته مهم اینکه ممکن است هدایت یافتن این فرد توسط امام با دیدن یک حدیث باشد یا سخن و نوشته یک نفر اتفاق بیفتد، مهم این است که همه ابزار و وسایل هدایت همه و همه از مجرای امام صورت میگیرد. روایتی تکان دهنده از پیامبر وجود دارد که فرمودند امان امان از امت من که به شش خصلت از خصلتهای قوم لوط گرفتار می شوند: ۱- بازگزاردن دکمه پیراهن ۲- جویدن آدامس . . باید توجه داشت که اگر امام داوری در کارها نباشد و امام اولی به نفس قرار نگیرد، علاوه بر امکان صدردصد افتادن در مسیر خطا، احتمال گرفتاری به خصلتهای مذموم گروههای مختلفی چون قوم لوط هم وجود دارد. اما برعکس در صورت عمل به آیات شریفه و فرمایش پیامبر اکرم(ص) در همه موارد مثلا: در انتخاب دوست، درمسأله ازدواج، اختلاف در خانواده، امام هادی است و ایصال به مطلوب می کند و شخص را از گمراهی آشکار که در آیه فوق اشاره شد نجات بخش خواهد بود. دوران غیبت دورانی است که اگر امام داوری صورت نگیرد فتنه های آخراالزمان انسان را سریعتر به مهلکه و گمراهی خواهدکشاند، پس ضروریست با استمداد از حجت الهی در این شبهای قدر و با رفع موانع امام داوری در زندگی،

ایشان را اولی به نفس قرار داده و از راهنمائیها و داوریهای ایشان بهره برد.

بیشتر بخوانید:

- [امام باوری \(بخش اول مطالب ارائه شده در شب های قدر\)](#)
- [امام باوری تحلی امام باوری \(بخش دوم مطالب ارائه شده در شب های قدر\)](#)